

اعتقادنامهٔ رسولان

درس
چهارم

روح القدس



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2020 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: اعتقادنامه رسولان (درس شماره ۴: روح القدس)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) الوهیت

اعتقادنامهٔ رسولان

ساختار

لقاح عیسی

مبنای کتاب مقدسی

نام‌ها

صفات

کار

قواعد

(۳) ویژگی شخصی

صفات

تمایز

ارتباط

(۴) کار

قدرت آفرینندگی

جهان طبیعی

عطایای روحانی

احیای شخصی

تقدیس

فیض

فیض جامع

فیض بر مبنای عهد

فیض نجات‌بخش

مکاشفه

مکاشفهٔ عمومی

مکاشفهٔ خاص

روشنگری و هدایت درونی

(۵) نتیجه‌گیری

روح القدس

مقدمه

هر یک از سنت‌های اعتقادی مسیحی، بر موردی تأکید دارند. بعضی از سنت‌های اعتقادی بر پرستش تأکید دارند. بعضی بر آموزه‌الاهیاتی و حقیقت تأکید می‌کنند. تأکید بعضی بر مشارکت در امور اجتماعی و اعمال نیکوست. دیگران بر اتحاد میان ایمانداران تأکید می‌کنند. تأکید بعضی، زندگی مسیحی پر نشاط است. همه اینها تأکیدات خوبی هستند.

اما یک واقعیت اساسی وجود دارد، که به همه تأکیدات ما وحدت می‌بخشد، و اغلب، بسیاری از مسیحیان آن را نادیده می‌گیرند. او همان کسی است که همه این تأکیدات نیکو در بدن مسیح، از او سرچشمه می‌گیرند. او شخصی است که ما را در همه اینها و همه حوزه‌های ایمان مسیحی، تشویق و تقویت می‌کند. او همواره با ماست، و برای اعمال نجات در ما می‌کوشد. او حیات درون ماست. این شخصیت کسی نیست جز خداوند، روح القدس. این چهارمین درس از مجموعه دروس «اعتقادنامه رسولان» است. عنوان این درس را «روح القدس» گذاشته‌ایم چون تمرکزمان بر بندی از ایمان در این اعتقادنامه است که بر اعتقاد به روح القدس، سومین شخص خدای تثلیث ما تأکید دارد.

اعتقادنامه رسولان مستقیماً در یک خط به مبحث روح القدس می‌پردازد:

من به روح القدس... ایمان دارم.

تنها عبارت دیگری که درباره او در اعتقادنامه وجود دارد آن است که عیسی از طریق روح القدس در بطن مریم لقاح یافت. همانطور که می‌توان دید، اعتقادنامه دست کم صراحتاً، به نسبت کمتری به روح القدس می‌پردازد. اما به طور ضمنی، حقایق مهمی را درباره او تفهیم می‌کند که در طول تاریخ برای ایمانداران، اهمیت حیاتی داشته است.

بحث ما درباره روح القدس، به سه بخش تقسیم می‌شود. اول، درباره الوهیت او، یعنی عضویت کامل او در الوهیت، صحبت خواهیم کرد. دوم، به ویژگی شخصی او می‌پردازیم، و خواهیم دید که روح القدس شخصیتی واقعی است، نه نیرویی الهی. و سوم، به بررسی کاری که او در گذشته انجام داد و امروز همچنان به آن ادامه می‌دهد، خواهیم پرداخت. بیایید با الوهیت روح القدس آغاز کنیم.

الوهیت

در بررسی الوهیت روح القدس، به دو مسیر نگاه خواهیم کرد. از یک سو، خواهیم دید که «اعتقادنامهٔ رسولان» بر الوهیت روح القدس تأکید دارد. و از سوی دیگر، به مبنای کتاب مقدسی تعلیم اعتقادنامه نگاه می‌اندازیم. بیایید با روش تأکید اعتقادنامهٔ رسولان بر الوهیت روح القدس شروع کنیم.

اعتقادنامهٔ رسولان

وقتی به صحبت دربارهٔ شخص روح القدس می‌رسیم، یکی از سوالاتی که اغلب مردم می‌پرسند این است که آیا کلیسا همیشه بر الوهیت روح القدس تأکید داشته و به او معترف بوده؟ البته در گزارش تاریخی می‌بینیم که اعتقادنامهٔ نیکیه و شورای نیکیه، شخصیت روح القدس کاملاً روشن نیست، اما در یک شورای دیگر که فکر کنم شورای کالسدون بود، در شورای کالسدون تأکید شده که روح القدس هم باید همراه با خدای پسر به عنوان یک شخصیت کاملاً الهی مورد پرستش قرار بگیرد. همین باعث شده که بعضی از مردم بگویند که: «پس کلیسا همیشه معترف به الوهیت روح القدس نبوده.» به نظرم این اشتباه هست. شوراها هرگز به منظور به انشا درآوردن یک آموزهٔ جدید جمع نمی‌شدند. فراخوان شوراها همیشه برای روشن کردن مفهوم تعلیم سنتی و تاریخی کلیسا در مقابله با بدعت بود. بنابراین می‌توانیم بگوییم که به خاطر اعلامیهٔ این شورا، دلیل بسیار خوبی برای قبول این موضوع داریم که از دوران رسولان بعد، و به وسیلهٔ اعتراف پدران رسولانی و الاهیدانان اولیهٔ کلیسا، می‌توانیم تعلیم الوهیت روح القدس را ردیابی کنیم.

– دکتر استیو بلیک‌مور

از همین ابتدا، باید اعتراف کنیم که اعتقادنامهٔ رسولان به صراحت الوهیت روح القدس را بیان نمی‌کند. اما دست‌کم به دو روش، به طور ضمنی بر الوهیت روح القدس تأکید دارد. اول اینکه ساختار تثلیثی، روح القدس را به روش‌های مهمی، یکسان با خدای پدر و خدای پسر بر می‌شمارد. و دوم آنکه، توضیح اعتقادنامه در مورد لقاح عیسی، نشان‌دهندهٔ الوهیت روح القدس است. بیایید نگاهی به این دو موضوع بیندازیم، و کار را با ساختار اعتقادنامه شروع کنیم.

ساختار

به خاطر دارید که در یکی از درس‌های قبل، وقتی از دیدگاه آموزه خدا به بررسی اعتقادنامه پرداختیم، اشاره کردیم که اعتقادنامه رسولان را می‌توان متشکل از سه بخش اصلی دید که هر بخش با بیان «من ایمان دارم» آغاز می‌شود. بخش اول از باور به خدای پدر صحبت می‌کند. بخش دوم درباره باور به عیسی مسیح، یگانه پسر او، خداوند ماست. و بخش سوم، خلاصه اعتقاد به روح القدس و فهرست خدمات فعالانه اوست.

همانطور که در یکی از دروس قبلی دیدیم، اعتقادنامه رسولان در طول زمان بسط یافته و نسخه‌های اولیه آن، اعتقادنامه‌های تعمیدی محلی بوده است. بعضی از این اعتقادنامه‌های اولیه شامل کلمات «من ایمان دارم» پیش از بندهای مربوط به عیسی هستند. اما سایرین، مانند نسخه‌ای در حدود ۷۰۰ میلادی به شکل معیار در آمد، فقط از کلمه «و» استفاده کرده‌اند. اما صرف‌نظر از عبارات خاص‌شان، تفکر آنها یکسان بود: یعنی اعتقادنامه بر اساس سه شخص تثلیث تقسیم‌بندی شده بود. این تقسیم‌بندی عموماً مورد قبول کلیسا بوده است. قاعده تثلیثی مزبور بیانگر ایمان به یک خدای واحد است، که او در سه شخص وجود دارد، یعنی در شخص خدای پدر، خدای پسر و خدای روح القدس.

هیپولیتوس، یکی از پدران کلیسای اولیه، که بین سال‌های ۱۷۰ تا ۲۳۶ میلادی می‌زیست، توضیح داد که اعتقادنامه تعمیدی مورد استفاده در روزگار او، ساختار تثلیثی را بسیار صریح نشان می‌داد. این اعتقادنامه احتمالاً در ابتدا اعتقادنامه‌ای محلی بوده، اما به نظر می‌رسد که کم‌کم به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است. زبان آن بسیار شبیه اعتقادنامه رسولان امروزی است، و طرز استفاده از آن در مراسم تعمید، به روشنی تأکید استوارش بر تثلیث را نشان می‌دهد.

هیپولیتوس شرح داده که مراسم تعمید با سه بار غوطه شخص در آب انجام می‌شده است. در هر غوطه، شخص تعمیدگیرنده بر قسمتی از اعتقادنامه تعمیدی مربوط به یکی از سه شخص تثلیث، تأکید می‌کرده است. ابتدا او به موارد ایمان مربوط به خدای پدر اعتراف می‌کرد، و سپس در آب غوطه‌ور می‌شد. سپس نوبت تأکید بر موارد ایمان به خدای پسر می‌رسید و غوطه دوم شخص. و در نهایت، تأکید بر موارد ایمان به روح القدس و غوطه سوم و نهایی. می‌توانیم به وسیله این مراسم و مراسم مشابه آن در کلیسای اولیه، مشاهده کنیم که ساختار اعتقادنامه، عمداً طوری طراحی شده بود که الوهیت و کار هر شخصیت تثلیث، و از جمله روح القدس، را برجسته و روشن سازد. دومین روش تأکید اعتقادنامه رسولان بر الوهیت روح القدس، توصیف لقاح عیسی به واسطه اوست.

لقاح عیسی

اعتقادنامه رسولان بیان می‌کند که عیسی مسیح، پسر خدا،

از طریق روح القدس... لقاچ یافت.

این عبارت صریحاً الوهیت کامل روح را اعلام نمی‌کند، اما به طور ضمنی، قویاً بر این ایمان صحه می‌گذارد. اعتقادنامهٔ مزبور در هنگام صحبت از لقاچ عیسی، به لوقا ۱: ۳۵ اشاره دارد، هنگامی که فرشته به مریم گفت:

روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد افکند، از این رو، آن مولود مقدس و پسر خدا خوانده خواهد شد (لوقا ۱: ۳۵).

در این آیه، روح القدس معادل با قدرت خدای متعال است. همانطور که بعداً در این درس خواهیم دید، فقط خدا می‌تواند صاحب قدرت متعالی باشد. پس اعتقادنامهٔ رسولان، با اشاره به این آیه به عنوان مثالی از کارهای روح القدس، بر الوهیت کامل او صحه می‌گذارد. این استنتاج به وسیلهٔ عبرانیان ۱۰: ۵-۷ نیز تایید می‌شود که می‌گوید:

از این رو، هنگامی که مسیح به جهان آمد، فرمود: «قربانی و هدیه را نخواستی، اما بدنی برای من مهیا ساختی. از هدایای سوختنی و قربانی‌های گناه خشنود نبودی. آنگاه گفتم: "اینک من خود می‌آیم، تا ارادهٔ تو را ای خدا به جای آورم؛ در طومار کتاب درباره‌ام نوشته شده است."» (عبرانیان ۱۰: ۵-۷).

در اینجا می‌بینیم که آفرینش بدن انسانی عیسی مشخصاً کار خدا بوده است. در پرتو آیاتی مثل اینها، به‌جاست که بگوییم وقتی اعتقادنامهٔ رسولان لقاچ عیسی را به روح القدس نسبت می‌دهد، نیت اصلی‌اش تایید الوهیت روح است.

پس از بررسی چگونگی ابراز ایمان به الوهیت روح القدس توسط اعتقادنامهٔ رسولان، بیایید نگاهی به مبنای کتاب مقدسی آن بیندازیم.

مبنای کتاب مقدسی

درک این موضوع که ایمان مورد تایید امروزی ما به طور پیوسته در طول قرون گذشته تایید شده است، ارزش زیادی دارد. به همین دلیل، درک تعلیم اعتقادنامهٔ رسولان دربارهٔ الوهیت روح القدس بسیار مفید است. با این وجود، اطمینان اصلی ما از خود کلام خدا نشئت می‌گیرد. ما برای اعتقادنامهٔ رسولان به عنوان خلاصه‌ای از کلام

خدا ارزش قائلیم، نه به عنوان جایگزینی برای کتاب مقدس. به همین دلیل، این موضوع همواره برای ما اهمیت دارد که اطمینان حاصل کنیم، گفته‌های اعتقادنامه همگی کتاب مقدسی هستند.

فکر می‌کنم کلام خدا دست‌کم به چهار دلیل به ما اشاره می‌کند که الوهیت روح القدس تایید کنیم. اول، این واقعیت که در بعضی متن‌ها روح القدس به جای خدا به کار برده شده. دومین دلیل الوهیت روح القدس این واقعیت است که صفاتی را که مختص خداست، به روح نسبت می‌دهد. سوم، روح القدس هم کارهایی را انجام می‌دهد که فقط خدا قادر به انجام آنهاست. و نهایتاً، متوجه می‌شویم که روح القدس در نام واحدی وجود دارد - در متی باب ۲۸ - که مسیحیان به آن تعمیم می‌گیرند.

- دکتر کیت جانسون

مبنای کتاب مقدسی ایمان به الوهیت روح القدس را می‌توان به روش‌های مختلفی نشان داد. اما در راستای اهداف ما، بر نام‌های نسبت داده شده به او، کارهایی که انجام می‌دهد، و قواعد تثلیثی‌ای که به او اشاره دارند، متمرکز می‌شویم. بیا بیا با نام‌های مختلفی که در کلام خدا به روح القدس نسبت داده شده، آغاز کنیم.

نام‌ها

روح القدس در کتاب مقدس به نام‌های بسیار زیادی خوانده شده است. بعضی از این نام‌ها به شکلی کاملاً ضمنی، الوهیتش را نشان می‌دهند. سایر نام‌ها به صراحت زیاد، او را الهی می‌خوانند. و البته نام‌های دیگری هم در میان این دو قطب وجود دارند.

شاید نامی که القاکننده الوهیت او به ضمنی‌ترین شکل است، نام «روح القدس» باشد. اصطلاح «مقدس» می‌تواند برای جوانبی از آفرینش استفاده شود که الهی نیستند. کلمه «مقدس» عموماً به چیزهایی اشاره دارد که از هم‌تایان معمول خود مجزا شده‌اند، چون به نوعی برای خدا مخصوص هستند. پس کلمه «مقدس» به خودی خود بیانگر الوهیت روح القدس نیست.

با این وجود، توجه به این نکته اهمیت دارد که در سراسر عهد عتیق، این خداست که مکرراً «آن قدوس» خوانده می‌شود. در متن‌های مختلفی از جمله دوم پادشاهان ۱۹: ۲۲، اشعیا ۳۰: ۱۱-۱۵، و هوشع ۹: ۱۱-۱۲ این موضوع را می‌بینیم. همچنین در بعضی از متون، به نظر می‌رسد نام روح القدس به شخص خدا اشاره دارد، مثل اشعیا ۶۳: ۱۰-۱۱. این موضوع نامگذاری را حتی در برخی از ادبیات یهودی غیرالهامی، مانند کتاب حکمت ۹: ۱۷ نیز مشاهده می‌کنیم. در برابر این زمینه عهد عتیق، درست است که مفهوم الوهیت را در نام «روح القدس» ببینیم.

با در ذهن داشتن این نام‌های بسیار تلویحی، بیابید به بعضی از نام‌های روح القدس که بر الوهیت او به شکلی نه بسیار تلویحی و نه بسیار صریح دلالت دارند، نیز نگاهی بیندازیم. این نام‌ها شامل «روح خداوند»، «روح خدا»، و «روح خدای زنده» می‌شود. همچنین «روح عیسی»، «روح پسر او»، و «روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید». همهٔ این نام‌ها با اشاره به این موضوع که اتحاد خدا با روح القدس درست مثل اتحاد هر انسان با روحش است، نشان می‌دهند که روح القدس الوهیت دارد. پولس به روشنی این ارتباط را در اول قرن‌تین ۲: ۱۱ نشان می‌دهد، و می‌نویسد:

زیرا کیست که از افکار آدمی آگاه باشد، جز روح خود او که در درون اوست؟ بر همین قیاس، فقط روح خداست که از افکار خدا آگاه است (اول قرن‌تین ۲: ۱۱).

روح ما قسمتی از ساختار انسانی ماست. هیچ مورد غیرانسانی‌ای در آن وجود ندارد. کاملاً انسانی است. به همین شکل، روح القدس کاملاً الهی است. و همین امر به او توانایی درک افکار خدای پدر را می‌بخشد. پس، روح القدس با آشکار کردن فکر خدا به مسیحیان، نشان می‌دهد که خداست. سرانجام، به متونی می‌رسیم که به صراحت تمام، روح القدس را به نام «خدا» می‌خوانند. به گفتار پطرس خطاب به حنایا در اعمال ۵: ۳-۴ گوش بدهید:

ای حنایا، چرا گذاشتی شیطان دلت را چنین پر سازد که به روح القدس دروغ بگویی و بخشی از بهای زمین را برای خود نگاه داری؟... تو نه به انسان، بلکه به خدا دروغ گفتی (اعمال رسولان ۵: ۳-۴).

در این متن، ابتدا پطرس به حنایا گفت که او به روح القدس دروغ گفته است و سپس توضیح می‌دهد منظورش از اینکه حنایا به خدا دروغ گفته، چیست. در اینجا پطرس رسول صریحاً روح القدس را «خدا» می‌خواند. پس وقتی نام‌های روح القدس را در کلام خدا بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که بسیاری از آنها الوهیت او را در گستره‌ای میان دو قطب تلویحی و تصریحی، نشان می‌دهند. دومین روش کتاب مقدس در نشان دادن الوهیت روح القدس، نسبت دادن صفات الهی به اوست.

صفات

الاهیدانان مسیحی به طور سنتی، از دو دسته صفات مجزای الاهی سخن گفته‌اند، یعنی: صفات منقول و صفات غیر منقول. از یک سو، خدا دارای صفاتی منقول است، که به نوعی می‌تواند به مخلوقاتش «منتقل کند» یا آنها را «سهیم» کند.

مثلاً، خدا دارای صفت خرد است، که آن را به انسان‌ها منتقل کرده و آنها را در این صفت سهیم می‌کند. انسان‌ها به عنوان مخلوقاتی محدود، کاملاً خرد خدا را درک نمی‌کنند. اما به نوعی توانایی تفکر عاقلانه را دارند. البته این به معنی آن نیست که ما الاهی هستیم. فقط نشان می‌دهد که به وسیله‌ی خدایی منطقی آفریده شده‌ایم که تا حدودی صفت خرد خود را به ما منتقل کرده است. خرد ما از او سرچشمه می‌گیرد؛ ما انعکاسی از صفت خردمندی اویم چون او ما را آفریده است.

یکی دیگر از صفات منقول خدا، محبت اوست. بسیاری از قسمت‌های کلام خدا تعلیم می‌دهد که محبتی که ما نسبت به دیگران، و حتی خدا داریم، مستقیماً از صفت محبت الاهی برگرفته شده است. این موضوع را در قسمت‌هایی مانند غلاطیان ۵: ۲، افسسیان ۵: ۱؛ دوم تیموتائوس ۱: ۷؛ و اول یوحنا ۴: ۷-۲۱ می‌بینیم.

ولی خدا دارای صفات غیر منقولی نیز هست - صفاتی که طبیعتاً مخلوقاتش نمی‌توانند در آنها سهیم شوند. آشناترین صفات غیر منقول خدا عبارتند از: دانایی مطلق او، که اشاره به آگاهی، دانش و حکمت نامحدودش دارد؛ قدرت مطلق او، که مربوط به قدرت بی‌نهایتش است؛ حضور مطلق او، که نشانگر همه جا حاضر بودنش در آن واحد است؛ و جاودانگی او، که وجود ابدی و ناگسستنی‌اش را نشان می‌دهد. از آنجا که صفات غیر منقول خدا، مختص او هستند، می‌توانیم با نشان دادن اینکه روح القدس نیز دارای برخی از این صفات است، الوهیت وی را ثابت کنیم. البته، با بررسی کلام خدا به این نتیجه می‌رسیم که او در واقع دارای تمامی این صفات است. ابتدا دانایی مطلق روح القدس را در نظر بگیرید.

کلام خدا می‌گوید که روح کاملاً افکار خدا را می‌داند. این موضوع را در افسسیان ۱: ۱۷ و اول قرنتیان ۲: ۱۰-۱۱ می‌بینیم. البته، فکر خدا نامحدود است، و درک کامل آن مستلزم ذهنی نامحدود است. توانایی روح القدس برای درک دانایی مطلق خدا، ثابت می‌کند که خود روح القدس نیز دانای مطلق است. و چون دانای مطلق است، پس باید خدا باشد.

همچنین می‌توان الوهیت روح القدس را با قدرت مطلق او نیز ثابت کرد. قدرت او همان قدرت نامحدود خداست. بسیاری از قسمت‌های کلام خدا از قدرت روح القدس سخن می‌گویند، مثلاً اول سموئیل ۱۰: ۶، رومیان ۱۵: ۱۹، اول قرنتیان ۱۲: ۱۱، و اول تسالونیکیان ۱: ۵. به پیوستگی روح القدس با قدرت خدا در پیدایش ۱: ۳-۱ توجه کنید:

در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آب‌ها را فرو گرفت. و خدا گفت: «روشنایی بشود.» و روشنایی شد (پیدایش ۱: ۱-۳).

همانطور که قبلاً گفتیم، اشارات عهد عتیق به خدا عموماً به کلیت تثلیث است. اما بر اساس زبان و مفهومی که به کار برده شده، می‌توان به درستی تأکید آن بر یک شخص یا شخص دیگر تثلیث را نیز مشاهده کرد. در این مورد، تأکید بر شخص روح القدس به عنوان روح خداست. پس، کار آفرینش نور توسط روح القدس انجام گرفت. همین موضوع برای هر چیزی که خدا در این باب آفرید، صدق می‌کند. اما برای اینکه روح القدس دارای چنین توانایی مطلق باشد، برای اینکه او توانایی آفرینش هستی از نیستی را داشته باشد، می‌بایست کاملاً الهی باشد. یکی دیگر از صفات غیر منقول الهی که روح القدس دارد، حضور مطلق است. قسمت‌هایی مانند مزور ۱۳۹: ۷-۱۰ به ما می‌آموزد که روح در گوشه و کنار آفرینش، از بلندای آسمان گرفته تا قعر دریا، حضور دارد. و روح القدس دارای صفت جاودانگی نیز هست. عبرانیان ۹: ۱۴ از روح القدس به عنوان «روح جاودانی» نام می‌برد؛ به این معنی که او از ازل بوده و تا ابد خواهد بود. کتاب مقدس به روشنی توسط این صفات غیر منقول و صفاتی مانند آنها، نشان می‌دهد که روح القدس، خداست.

کار

سومین مدرک کلام خدا در مورد الوهیت روح القدس در نوع کاری است که او انجام می‌دهد. بعداً در همین درس، به بررسی بسیار عمیق‌تر کار روح القدس خواهیم پرداخت. در اینجا، فقط می‌خواهیم نگاه کوتاهی به تعدادی از کارهای او بیندازیم تا ببینیم این کارها چگونه الوهیت او را نشان می‌دهند.

قسمتی از اثبات این در کلام خدا، نگاه کردن به کارهای اوست. روح خدا کسی‌ست که به مسیح شهادت می‌دهد، در مسیح به ما می‌پیوندد، حیات تازه می‌دهد، از مردگان بر می‌خیزاند، و در آفرینش شرکت دارد. همه این کارها از کارهای خدا کمتر ندارند. کارهایی‌ست که آدم‌ها، یا فرشته‌ها یا هیچ مخلوق دیگری نمی‌تواند انجام دهد. اینها فقط کارهای مربوط به شخص خداست. بنابراین، می‌بینیم که روح القدس دقیقاً همان کارهای خدا رو می‌کند، پس نه تنها یک شخص است، بلکه الوهیت هم دارد.

- دکتر استفان ولوم

روح القدس کارهای زیادی انجام می‌دهد که به بیان کتاب مقدس فقط مختص خداست، و این موضوع نشانگر قدرت و صفات الهی اوست. به عنوان مثال، همانطور که در رومیان ۸: ۱۱ می‌خوانیم، وقتی او روح ما را نوزایی می‌کند، حیات جدیدی می‌آفریند. همانطور که در افسسیان ۲: ۱۸ می‌بینیم، به واسطه اوست که به پدر دسترسی داریم. به طوری که در رومیان باب‌های ۵-۸ می‌آموزیم، او نجات را در ما به کار می‌گیرد. قدرتی که در پس معجزات پیامبران و حتی خداوند ما عیسی است، از اوست، و این موضوع را در قسمت‌هایی مثل رومیان ۱۵: ۴، ۱۹ می‌بینیم. هرچند فهرست کارهای الهی روح القدس تقریباً پایان‌ناپذیر است، بیایید فقط به منظور نشان دادن آنها به چند مثال برجسته توجه کنیم.

در وهله اول، روح القدس الهام‌بخش نوشته‌های کلام خدا بود، که سخنان شخص خداست. ما با دریافت این موضوع که کلام روح القدس، همان کلام خداست، او را به عنوان خدا تصدیق می‌کنیم. این موضوع را در متی ۱۰: ۲۰، یوحنا ۳: ۳۴، اعمال ۱: ۱۶ و ۴: ۳۱، و افسسیان ۶: ۱۷ می‌یابیم.

فقط به عنوان یک مثال به آنچه پطرس در دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱ می‌گوید، گوش بدهید:

هیچ نبوت کتاب از تفسیر خود نبی نیست. زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند (دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱).

در این متن، پطرس تعلیم می‌دهد که مجذوب روح القدس شدن به معنای سخن گفتن از جانب خداست. کلام خدا، سخن خداست چون خدا، یا مشخصاً روح القدس که شخص سوم تثلیث است، آن را وحی کرده و بیان نموده است.

مثال دیگر اینکه، کار روح القدس به عنوان مشاور، نشان‌دهنده الوهیت اوست. در یوحنا باب‌های ۱۴-۱۶، عیسی به روح القدس به عنوان تسلی‌دهنده‌ای اشاره می‌کند که کارهایی مانند آشکار کردن حقیقت، الزام جهان به گناه، و شهادت به عیسی را انجام می‌دهد. هرچند ابتدا به نظر دور از ذهن می‌رسد، اما این خدمت ارزش روح القدس را حتی بیش از حضور زمینی خود عیسی می‌سازد. همانطور که عیسی در یوحنا ۱۶: ۷ گفت:

من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم (یوحنا ۱۶: ۷).

لحظه‌ای به این موضوع فکر کنید. بنا به گفته خود عیسی، حضور روح القدس برای کلیسا بهتر از آن است که حضور جسمانی عیسی را در کنارمان داشته باشیم. اما یک وجود مخلوق و محدود هرگز نمی‌تواند بهتر از برکت

حضور زمینی مسیح باشد. نه، به منظور آنکه روح القدس بیش از خدای پسر برای ما سودمند باشد، او نیز باید شخصا خدا باشد.

قواعد

چهارمین روش حمایت کلام خدا از الوهیت روح القدس، قواعد تثلیثی است که نام او را در کنار نام‌های پدر و پسر قرار می‌دهد.

یک قاعدهٔ تثلیثی، به متنی از کلام خدا اطلاق می‌شود که به روشنی هر سه شخص تثلیث را به طور نسبتاً برابر مورد اشاره قرار می‌دهد، و معمولاً همکاری آنها را به نمایش می‌گذارد. با اشاره به پدر، پسر و روح القدس به عنوان شرکای برابر، کتاب مقدس بیان می‌کند که روح القدس به اندازهٔ پدر و پسر، الوهیت دارد. این قواعد را در رومیان ۱۵: ۳۰، اول قرنتیان ۱۲: ۴-۶، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳-۱۴، و بسیاری از قسمت‌های دیگر می‌یابیم. بیایید تنها به دو مثال از این قواعد بپردازیم.

اولین قاعده را در متی ۲۸: ۱۹ می‌توان یافت که در آن عیسی فرمان می‌دهد:

بروید و همهٔ قوم‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید (متی ۲۸: ۱۹).

در این قاعده، عیسی اشاره کرد که باید تعمید به نام یا قدرت هر سه شخص تثلیث انجام شود. این فرمان هیچگونه تمایزی میان امتیاز و احترام شخصیت‌های تثلیث قائل نمی‌شود. در عوض، نشانگر برابری هر سه شخص است.

دومین مثال روشن در دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴ آمده که در آن پولس اینطور می‌نویسد:

فیض خداوند عیسای مسیح، محبت خدا و رفاقت روح القدس با همهٔ شما باد (دوم قرنتیان ۱۳: ۱۴).

پولس در دعای برکت پایانی نامه‌اش، خدای پسر یعنی خداوند عیسای مسیح؛ پدر، که او را خدا می‌خواند؛ و روح القدس را در یک گروه قرار می‌دهد. به این وسیله نشان می‌دهد که هر سه شخص، شرکای برابر در ارائهٔ برکت نجات هستند.

قواعدی مانند اینها نشان می‌دهند که روح القدس شخصی برابر در تثلیث است. آنها نشانگر برابری پدر، پسر و روح القدس با همدیگر در موارد مهم صفات و عملکردهای الهی، مانند تأمین فیض و نجات برای گناهکاران، و پذیرفتن حرمت و پرستش به عنوان خدا هستند.

آموزه مسیحی تثلیث تعلیم می‌دهد که یک خدای واحد ازلی و ابدی در وحدانیت سه شخص وجود دارد. چون روح القدس خداست، درست و به جا هست که ما نه فقط به او دعا کنیم، بلکه او را به عنوان خدا محترم بشماریم.

- دکتر کیت جانسون

پس از بررسی الوهیت روح القدس، آماده‌ایم تا به دومین موضوع مان، یعنی شخصیت او بپردازیم. در این بخش، به این واقعیت خواهیم پرداخت که باید با روح القدس به عنوان یک شخص حقیقی و نه یک نیرو یا قدرت الاهی، برخورد کنیم.

شخصیت

در طول تاریخ کلیسا، بسیاری از گروه‌ها منکر این شده‌اند که روح القدس یک شخص و دارای خودآگاهی مشخص و صفات شخصی الاهی است. برخی معتقد بوده‌اند که او شکل دیگری از پدر است. دیگران استدلال کرده‌اند که اسم «روح القدس» فقط نامی است که نویسندگان باستان برای توصیف قدرت خدا به کار می‌برده‌اند. اما از ساختار اعتقادنامه رسولان می‌توان تأکید آن بر موقعیت کتاب مقدسی روح القدس به عنوان یک شخصیت حقیقی و مجزا در تثلیث را مشاهده کرد. این تعلیم روشن کلام خداست، و موضع همه شاخه‌های کلیسای مسیحی در طول اعصار بوده است.

روح القدس در عهد جدید به عنوان یک شخصیت توصیف شده است، نه یک نیروی فاقد شخصیت. و کلیسا هم حول همین شواهد جمع شده و گفته ما به همین موضوع ایمان داریم. درست است که در انشای این اعتقادنامه اخیر، حدود سیصد یا چهارصد سال بعد این موضوع مورد بحث و جدل قرار گرفت. اما وقتی باسیل اهل قیصریه در قرن چهارم درباره‌اش بحث می‌کند، یک آموزه جدید به وجود نمی‌آورد، بلکه همان چیزی را مطرح می‌کند که مردم در طول سیصد سال به آن ایمان داشتند.

- دکتر پیتر واکر

از ابتدا باید اذعان کرد که اعتقادنامه رسولان به صراحت درباره این موضوعات صحبت نمی‌کند. اما وقتی جدل‌های الاهیاتی مهم در مورد روح القدس را در چند سده اول مسیحیت مورد توجه قرار می‌دهیم، می‌توانیم به

تأیید این اعتقادنامه در مورد اینکه روح القدس یکی از اعضای تثلیث است، به عنوان تاکید تلویحی آن بر شخصیت وی نیز پی ببریم. اعتقادنامه رسولان نیز مانند مسیحیت کتاب مقدسی، فاقد شخصیت ساختن روح خدا تا حد یک نیرو یا قدرت الهی را رد می کند.

در بررسی مبنای کتاب مقدسی تأیید اعتقادنامه در مورد شخصیت داشتن روح القدس، بحث مان را به سه قسمت تقسیم می کنیم. اول نگاهی به صفات شخصی روح القدس می اندازیم. دوم، تمایز شخصی او را از پدر و پسر مورد توجه قرار می دهیم. و سوم، ارتباط شخص او با سایر اعضای تثلیث را تشریح می کنیم. ابتدا به صفاتی که ثابت می کند روح القدس یک شخصیت کامل است، می پردازیم.

صفات

هنگام صحبت از صفات شخصی روح القدس، ویژگی های منحصر به فرد شخص او را مد نظر قرار می دهیم؛ یعنی ویژگی هایی که تنها در صورتی صادق هستند که روح القدس یک شخص حقیقی باشد، نه صرفاً یک نیروی غیر شخصی.

به نظرم خیلی آموزنده است که در عهد جدید، نه فقط از نام ها و عنوان های خدای پدر، کارهای خدای پدر، صفات خدای پدر، و عملکردهای خدای پدر صحبت می شود، بلکه درباره همین ویژگی های پسر و روح القدس هم صحبت می شود. منظورم این است که، همه ویژگی های شخصیتی که در کتاب مقدس به خدای پدر نسبت داده می شود، در عهد جدید به خدای روح القدس هم اطلاق می شود. و همین، یک بار دیگر به ما تاکید می کند که روح القدس یک شخصیت است، نه یک نیرو یا یک قدرت.

- دکتر لیگن دانکن

روح القدس دارای صفات شخصی بسیار زیادی است و ما نمی توانیم همه آنها را در این درس فهرست کنیم، پس فقط به چهار مثال برای نشان دادن شخصیت او می پردازیم. اول اینکه روح القدس دارای اراده است. او به این وسیله نقشه می ریزد، تمایل خود را نشان می دهد و انتخاب می کند. روشن است که هر وجودی که قادر به چنین کارهایی است، نمی تواند صرفاً یک نیرو یا قدرت باشد. به عنوان مثال، در اول قرنتیان ۱۲: ۱۱، پولس درباره تقسیم عطایای روحانی صحبت می کند. به آنچه او نوشت گوش کنید:

همه آنها را همان یک روح به عمل می آورد و آنها را به اراده خود تقسیم کرده، به هر کس می بخشد (اول قرنتیان ۱۲: ۱۱).

روح القدس می‌خواهد افراد مشخصی، عطایای مشخصی داشته باشند، و دیگران از عطایای دیگری برخوردار شوند. نیروهای بدون شخصیت نمی‌توانند برنامه‌ریزی کنند یا تمایلی داشته باشند. فقط اشخاص این ویژگی را دارند. بنابراین، روح القدس باید یک شخص باشد.

روح القدس همچنین دارای صفت خرد است، که به واسطه آن دانایی دارد و قادر به تعلیم دیگران است. او این خرد را به روش‌های زیادی نشان می‌دهد، مثلاً با جستجو و آگاهی از فکر خدا، همانطور که در اول قرن‌تین ۲: ۱۰-۱۲ می‌خوانیم، و بر اساس رومیان ۸: ۲۷، با داشتن افکار مختص به خودش. او بنا بر اول قرن‌تین ۱۲: ۸، حکمت و دانش می‌بخشد. و بر اساس لوقا ۱۲: ۱۲، تعلیم می‌دهد. عیسی شخصاً دربارهٔ خرد روح در یوحنا ۱۴: ۲۶ صحبت کرد. به آنچه او به شاگردانش گفت، گوش بدهید:

روح القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما خواهد آموخت و هر آنچه من به شما گفتم، به یادتان خواهد آورد (یوحنا ۱۴: ۲۶).

نیروهای بدون شخصیت فکر نمی‌کنند، دانش ندارند و تعلیم نمی‌دهند. پس صفت خرد، ثابت می‌کند که روح القدس یک شخص است.

روح القدس دارای عواطف، احساسات درونی و مهرورزی نیز هست و اینها را در پاسخ به سایر افراد و موقعیت‌ها ابراز می‌کند. عواطف او مانند سایر صفات شخصی‌اش، ثابت می‌کنند که او یک شخص است، و نه صرفاً یک قدرت. به عنوان مثال، به محبت روح القدس در رومیان ۱۵: ۳۰ اشاره شده است. در اول تسالونیکیان ۱: ۶ از شادی او صحبت می‌شود. و به افسسیان ۴: ۳۰ که دربارهٔ حُزن او صحبت می‌کند، گوش بدهید:

روح قدوس خدا را که بدان برای روز رهایی مَهْر شده‌اید، غمگین مسازید (افسسیان ۴: ۳۰).

این واقعیت که روح القدس دارای احساساتی مانند غم است، نشان می‌دهد که او شخصیتی حقیقی دارد. از این گذشته، روح القدس دارای صفت یا ویژگی عاملیت نیز هست. او دارای اراده است، یعنی توانایی قصد نمودن و عمل فردی را داراست. همین موضوع او را قادر می‌سازد تا کارهای زیادی انجام دهد که فقط اشخاص قادر به انجام‌شان هستند. مثلاً در یوحنا ۱۵: ۲۶ و رومیان ۸: ۱۶، روح القدس شهادت می‌دهد. در فیلیپیان ۲: ۱ با ما مشارکت دارد. و در اعمال ۸: ۲۹ و ۱۳: ۲، سخن می‌گوید و فرمان می‌دهد. به عنوان مثال به رومیان ۸: ۲۶-۲۷ گوش بدهید:

و روح... با ناله‌هایی بیان‌ناشدنی، برای ما شفاعت می‌کند. ... روح مطابق با ارادهٔ خدا برای مقدسان شفاعت می‌کند (رومیان ۸: ۲۶-۲۷).

این واقعیت که روح‌القدس برای ایمانداران دعا می‌کند، دلیل دیگری بر شخصیت اوست. نیروها و قدرت‌های فاقد شخصیت، دعا و شفاعت و ناله نمی‌کنند. فقط اشخاص توانایی انجام چنین کارهایی را دارند. چارلز اسپرچن، واعظ بزرگ کلیسای باپتیست که بین سال‌های ۱۸۳۴ تا ۱۸۹۲ می‌زیست، در موعظهٔ شفاعت روح‌القدس خود بر اساس رومیان ۸: ۲۶-۲۷ اینطور می‌گوید:

روح‌القدس به ما کمک می‌کند تا متحمل ضعف جسمی و فکری‌مان بشویم؛ او به ما یاری می‌دهد تا صلیب‌مان را برداریم، صلیب ما می‌تواند درد جسمی، افسردگی فکری، یا تلاطم روحی، یا افترا، فقر و یا جفا باشد. او ما را در ناتوانی‌مان یاری می‌دهد؛ و با داشتن چنین یاری‌دهندهٔ الهی پرقوتی، لزومی ندارد که از نتیجه ترسی به دل راه دهیم. فیض خدا برای ما کافی خواهد بود؛ قوت او در ضعف کامل می‌شود.

- چارلز اسپرچن -

باعث دلگرمی‌ست که بدانم، چیزی در من کار می‌کند، کسی در درونم کار می‌کند، که قدرت خیلی بیشتری از من دارد. حتی اگر گاهی احساس نومیدی، بردگی یا هر چیز دیگری کنم، این فقط یه احساس است؛ واقعیت نیست. روح‌القدس مقتدر در من به شدت مشغول کار است تا صورت مسیح در من شکل بگیرد - چه دلگرمی بزرگی! این واقعیت آگاهی‌بخش هم هست، چون به این معنی‌ست که من همیشه در حضور یک خدای زنده هستم، همیشه در برابر روی خدای زندگی می‌کنم. هر قدر هم که شکست‌ها را از سایرین مخفی کنم، هیچ گناهی مخفی نیست چون من در حضور کامل خدا زندگی می‌کنم. و روح‌القدس یک روح مقدس است؛ روح خدا پاک است. مطمئناً من به عنوان یه شبان می‌خواهم در مشاوره به کسانی که با گناه در جدال هستند، تعادل را نگه دارم. ناامید نباش. روح‌القدس در قلب تو، در زندگی تو مشغول کار است. به مسیح اعتماد کن و آرام باش تا او در جنگی که با گناه داری به تو پیروزی بدهد. بی‌خیال و از خود راضی هم نباش چون روح‌القدس همیشه در تو کار می‌کند و همراه توست.

- دکتر دنیس جانسون -

حال که دیدیم چگونه صفات و ویژگی‌های شخصی روح القدس نشانگر شخصیت او هستند، آماده‌ایم تا تمایز او را از پدر و پسر به عنوان یک شخص مجزا در تثلیث بررسی کنیم.

تمایز

در ابتدا باید اقرار کنیم که در چندین قسمت از کتاب مقدس تمایز میان روح و سایر شخصیت‌های تثلیث کاملاً روشن نیست. مثلاً در غلاطیان ۴: ۶، روح القدس، روح پسر خدا خوانده شده و در متی ۱۰: ۲۰، روح پدر نامیده شده است. او نام‌های زیاد دیگری هم دارد که روشنگر ارتباط میان اعضای تثلیث است تا تمایز میان آنها. هرچند این نوع قسمت‌ها سرچشمه مباحثات زیادی در کلیسای اولیه شدند، اما همراهی نزدیک میان شخصیت‌های تثلیث نباید باعث تعجب ما شود. به هر جهت، سه شخص تثلیث یک خدای واحد هستند. پس، کاملاً منطقی است که روح القدس روح پدر و روح پسر خوانده شود، و در عین حال اصرار کنیم که او شخصیتی کاملاً مجزا از دو شخص دیگر تثلیث است.

یک روش برای روشن کردن تمایز میان روح و سایر شخصیت‌های تثلیث، مطالعه قسمت‌هایی در کلام خداست که نشان‌دهنده عمل متقابل میان آنهاست؛ به طوری که تفاوت‌های میان‌شان مورد تأکید قرار می‌گیرد. قسمت‌های بسیاری وجود دارند که این تمایزات را نشان می‌دهند، ولی دو متن برای نمایش تمایز میان روح با پسر و با پدر کفایت می‌کند. اول، به سخنان عیسی در یوحنا ۱۶: ۷ دقت کنید:

من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم (یوحنا ۱۶: ۷).

عیسی در این قسمت گفت که روح القدس نمی‌آید مگر اینکه اول پسر برود. به روشنی، او با گفتن اینکه یکی می‌رود و بعد دیگری می‌آید، خود را از روح متمایز کرد. هر یک نقش معینی داشتند، و نقش روح تا پیش از به انجام رسیدن کار پسر بر زمین و صعودش به آسمان، شروع نمی‌شد. روشن است که روح از پسر جداست. به همین ترتیب، روح کارهایی می‌کند که او را از پدر مجزا می‌کند. مثلاً، قسمتی از نقش مشاوره روح القدس به ما این است که از ما دفاع می‌کند، و با درخواست از جانب ما به حضور خدا، ما را در دعا یاری می‌دهد.

به طور عمده، کار روح، اعمال کار مسیح است. مسیح زندگی خود را به عنوان قربانی برای ما داد. این کار روح است که عمل مسیح را بگیرد در قلب ما به کار ببندد، پس ما به هر دو احتیاج داریم. منظورم این است که اگر روح آن را در قلب ما به کار نمی‌بست، وضعیت چندان خوبی نداشتیم، خدا می‌خواهد که کار مسیح ما را از درون عوض کند.

پس روح می آید و روح تولد تازه می دهد، ما را از نو متولد می کند. روح ما را تقدیس می کند و روح دائماً به ما عطایا و برکات و میوه‌هایی در زندگی می بخشد، و همه این چیزها. پس کار روح واقعا ضروری است.
- دکتر جان فریم

مثلا در رومیان ۸: ۲۶-۲۷، پولس اینطور می نویسد:

نمی دانیم چگونه باید دعا کنیم. اما روح با ناله‌هایی بیان ناشدنی، برای ما شفاعت می کند. و او که کاوشگر دل‌هاست، فکر روح را می داند، زیرا روح مطابق با اراده خدا برای مقدسان شفاعت می کند (رومیان ۸: ۲۶-۲۷).

پولس با این تعلیم که روح القدس از جانب ما نزد پدر شفاعت می کند، نشان می دهد که آنها اشخاص جداگانه‌ای هستند - یکی شفاعت می کند، و دیگری به شفاعت گوش می دهد.

او نزد پدر شفاعت می کند. همانطور که پولس می گوید، وقتی ما نمی دانیم برای چه دعا کنیم، در درون قلب ما صحبت می کند و ناله می کند، تا چیزهایی را به خدا بگوییم که حتی نمی دانیم باید بگوییم.
- دکتر جان فریم

می توانیم بگوییم که الگوی اصلی دعا، دعا به پدر، به نام پسر و به قدرت روح القدس است. ولی در دین ما آنقدر فیض و آزادی هست که می توانیم مستقیماً خطاب به روح القدس دعا کنیم بدون اینکه بر سر تمامیت خدا مصالحه کنیم یا دعای مان به این دلیل پذیرفته نشود.
- دکتر گلن اسکورجی

این دعا به روح القدس، که اغلب به آگوستین، از پدران کلیسا که بین سال‌های ۳۵۴ تا ۴۳۰ می زیست، نسبت داده می شود، می تواند نمونه عالی‌ای برای دعای ما باشد:

ای روح القدس در من بدم،
تا افکارم مقدس شود؛
ای روح القدس در من عمل کن،

تا کارهایم نیز مقدس شود؛
 ای روح القدس قلب مرا به خود جذب کن،
 تا فقط آنچه مقدس است، دوست بدارم؛
 ای روح القدس مرا قوت بخش،
 تا از آنچه مقدس است دفاع کنم؛
 سپس، از من حفاظت نما ای روح القدس،
 تا همواره مقدس بمانم.

پس از بحث درباره شخصیت روح القدس از این نظر که او دارای صفات شخصی و متمایز از پدر و پسر است، بیایید حالا به رابطه او با دو شخص دیگر تثلیث نگاه می‌پردازیم.

رابطه

همانطور که در طول این دروس اشاره کردیم، ارتباط میان شخصیت‌های تثلیث به طور سنتی از دو دیدگاه متفاوت توصیف شده است. الاهی‌دانان خصوصاً از تثلیث هستی‌شناسانه و هم‌آرایی تثلیثی سخن گفته‌اند. اینها دو دیدگاه متفاوت نسبت به تثلیث یعنی پدر، پسر و روح القدس هستند. اما بر دو جنبه متفاوت از ارتباط میان این سه شخصیت الاهی تاکید می‌شود.

وقتی درباره تثلیث هستی‌شناسانه صحبت می‌کنیم، بر هستی و وجود خدا متمرکز می‌شویم. از این دیدگاه، روح القدس از لحاظ قدرت و جلال با پدر و پسر برابر است. هر سه شخص تثلیث ابدی، ازلی و تغییرناپذیرند. هر یک دارای همان صفات اساسی الاهی، مانند حکمت، قدرت، قدوسیت، عدالت، نیکویی و حقیقت است. وقتی درباره هم‌آرایی تثلیثی صحبت می‌کنیم، به عملکرد متقابل این شخصیت‌ها با همدیگر می‌پردازیم. از این دیدگاه، هر شخص تثلیث مسئولیت‌های متفاوت، اقتدار متفاوت، و نقش معین متفاوتی دارد. قدرت روح القدس تحت اقتدار پدر و پسر قرار می‌گیرد. و نقش روح القدس تا حد زیادی، انجام دستورالعمل‌های پدر و پسر و جلال دادن ایشان است.

هر جا خدا هست، روح او هم همانجاست. منظور از روح او نه تنها حضورش، بلکه عملکردش هم هست. پس، وقتی می‌بینیم خدا با آفرینش خود در ارتباط است، توصیف این ارتباط بدون روح القدس، محال هست. روح القدس همین حالا در حال هدایت تاریخ بشر است. روح القدس در واقع عامل اجرایی محبت و مراقبت مدبرانه خداست.

– دکتر آلبرت موهلر

در الاهیات مسیحی، چه در تثلیث هستی‌شناسانه و چه در هم‌آرایی تثلیثی، روح القدس شخص سوم خوانده می‌شود.

روح القدس شخص سوم تثلیث هستی‌شناسانه است، چون پدر که شخص اول است، به واسطهٔ پسر که شخص دوم است، او را می‌دمد.

در اینجا باید مکث کنیم و بگوییم که کلیساهای ارتودکس شرقی تعلیم می‌دهند که روح القدس فقط توسط پدر دمیده می‌شود، و پسر او را نمی‌دمد. این تفاوت تعلیم یکی از دلایل انشقاق کلیساهای شرق و غرب بود که از سال ۱۰۵۴ میلادی آغاز شد و همچنان تا به امروز ادامه دارد. البته، از آنجایی که اعتقادنامهٔ رسولان پیش از این اختلاف نوشته شده بود، اشاره‌ای به عدم توافق میان کلیساهای شرق و غرب در آن به چشم نمی‌خورد. هر دو شاخهٔ کلیسا همهٔ عبارات اعتقادنامهٔ رسولان را تایید می‌کنند.

در هم‌آرایی تثلیثی، روح القدس سومین شخص است چون تابع پدر و پسر است و در رتبهٔ سوم قرار می‌گیرد. کلام خدا به روش‌های مختلفی اشاره به این متابعت می‌کند. مثلاً، او به وسیلهٔ پدر و پسر فرستاده یا اعطا می‌شود. لوقا ۱۱: ۱۳، یوحنا ۱۴: ۲۶ و ۱۵: ۲۶، و اعمال ۲: ۳۳، چند مثال از قسمت‌هایی از کلام هستند که این تعلیم را می‌دهند. وقتی روح نازل می‌شود، با انجام کاری که آنها وی را برای آن فرستاده‌اند، مطیع پدر و پسر است. این موضوع را در قسمت‌هایی مانند یوحنا ۱۶: ۱۳، رومیان ۸: ۱۱، و اول پطرس ۱: ۲ می‌آموزیم.

البته، حتی وقتی می‌گوییم که روح القدس از دیدگاه هم‌آرایی تثلیثی دارای پایین‌ترین رده است، تاکید بر این موضوع که او همچنان کاملاً خدا، و دارای نهایت قدرت مطلق بر همهٔ ظواهر آفرینش است، اهمیت دارد. از این گذشته، درون تثلیث، نوعی احترام متقابل وجود دارد، چون هرچه یک شخص انجام می‌دهد، همگی آن را به انجام می‌رسانند. پس متابعت روح القدس از پدر و پسر این معنی را نمی‌دهد که او به نوعی ذاتاً پایین‌تر از ایشان است - این مطلب صحت ندارد. او کاملاً با ایشان در جوهر الوهیت برابر است.

شخصیت داشتن روح القدس جزئی لاینفک از الاهیات مسیحی است. و همانطور که قبلاً هم دیدیم، دلایل زیادی برای تایید آن وجود دارد. روح القدس دارای صفاتی است که به روشنی شخصیت متمایز و خودآگاه وی را نشان می‌دهند. و روابط و تعاملات او با پدر و پسر شکی باقی نمی‌گذارد که او شخصیتی زنده و پویاست، و نه یک نیرو یا قدرت فاقد تفکر. ما می‌توانیم به این آموزهٔ سنتی کاملاً اطمینان داشته باشیم و باید هم چنین باشد.

تا اینجا در درس مربوط به روح القدس، تأکید اعتقادنامهٔ رسولان بر الوهیت روح، و تشخیص کامل او را بررسی کردیم. در اینجا دیگر آمادگی داریم تا به سومین عنوان اصلی بپردازیم، یعنی کاری که روح القدس در سرتاسر تاریخ انجام داده و امروز همچنان به آن ادامه می‌دهد.

کار

یکی از فواید درک غنی از کار روح القدس این است که بفهمیم اعمال خدا برای ما بسیار شخصی انجام می‌شوند. او دکمه‌ای فشار نمی‌دهد. پیش ما می‌آید و به شکلی بسیار شخصی با ما تعامل می‌کند. پس روح در واقع در قلب ما ساکن می‌شود. او همراه ما و به جای ما دعا می‌کند. به ما عطایای تقدس را می‌دهد، و از راه‌های زیادی در زندگی ما دخیل می‌شود. در واقع، در هر مرحله از زندگی‌مان، او به ما ثمرات فضائل مسیحی رو می‌بخشد، درست همانطور که پولس در غلاطیان می‌گوید. او هدایای زیادی برای خدمت به کلیسا به ما می‌دهد، و همهٔ اینها کارهایی است که خدا به وسیلهٔ روح برای ما انجام می‌دهد.

- دکتر جان فریم

هرچند اعتقادنامهٔ رسولان به صراحت در مورد کار روح، مطلب زیادی نمی‌گوید، اما با تاکید بر «من ایمان دارم به روح القدس»، تلویحا به چند اعتقاد دربارهٔ کار روح اشاره می‌کند.

راه‌های زیادی برای توصیف کار روح وجود دارد، ولی ما فقط به چهار جنبه از آن می‌پردازیم. اول، نگاهی به قدرت آفرینندگی او می‌اندازیم. دوم، به کار تقدیس او می‌پردازیم. سوم، دربارهٔ اعطای فیض او صحبت می‌کنیم. و چهارم، مکاشفه‌ای که او می‌بخشد را شرح می‌دهیم. بیایید با قدرت آفرینندگی روح آغاز کنیم.

قدرت آفرینندگی

منظور ما از اصطلاح «قدرت آفرینندگی» روح القدس، هم توانایی وی برای آفرینش چیزهای تازه، و هم کنترل و تغییر آفریدگان است.

وقتی اولین باب پیدایش را در کتاب مقدس می‌خوانید، روح بر سطح آب‌ها حرکت می‌کند. وقتی به کولسیان باب اول مراجعه می‌کنید، مسیح آفریننده‌ست، او به وسیلهٔ روح القدس خلق می‌کند. روح همچنین در بازآفرینی هم دخیل است. بازآفرینی به آن معنی که در ایمان آوردن مد نظر می‌گیریم. این روح است که احیا می‌کند. اگر کسی از روح متولد نشود، نمی‌تواند وارد پادشاهی خدا بشود. اما روح نه تنها در تولد تازهٔ فردی ما، بلکه در نوسازی جهان هستی هم مشغول به کار هست. پس صحبت پولس در رومیان باب ۸ دربارهٔ ناله‌ها و دردهای زایمان، انتظار برای تازه شدن همهٔ چیزها، مربوط به کار روح القدس می‌شود.

- دکتر دریک تامس

بحث ما در مورد قدرت آفرینندگی روح القدس بر سه سطح متفاوت فعالیت او متمرکز است. اول، درباره کارهای خلاقه او در جهان طبیعی صحبت می‌کنیم. دوم، بر عطایای روحانی که او برای کلیسا تامین می‌کند، متمرکز می‌شویم. و سوم، نقش او را در تازه‌سازی شخصی روح و قلبمان بررسی خواهیم کرد. بیایید با نشانه‌های قدرت آفرینندگی او در جهان طبیعی آغاز کنیم.

جهان طبیعی

قدرت آفرینندگی روح القدس در جهان طبیعی ابتدا در اولین آیات کتاب مقدس، دیده می‌شود. قبلا در این درس نگاهی به نقش روح القدس در روایت پیدایش باب یک از آفرینش انداختیم، و ملاحظه کردیم که او در آفرینش جهان از هیچ، از قدرت مطلق الهی استفاده کرد. همین موضوع را در مزمور ۱۰۴: ۳۰ می‌یابیم، که مزمورنویس در آن خدا را برای فرستادن روح خویش جهت آفرینش زمین و همه موجودات آن، نه فقط در هفته اول آفرینش، بلکه به طور روزمره، می‌ستاید. مزمور ۳۳: ۶ این تفکر را بازتاب می‌دهد، و ایوب ۳۳: ۴ آن را خصوصا در مورد آدمیان بسط می‌دهد.

به عنوان مثال، به مزمور ۱۰۴: ۳۰ گوش بدهید:

چون روح خود را می‌فرستی، آفریده می‌شوند، و روی زمین را تازه می‌سازی (مزمور ۱۰۴: ۳۰).

در این آیه، مزمورنویس درک خود از به وجود آمدن همه چیزها در آفرینش را بیان می‌کند. او همه آنها را به روح خدا، یعنی روح القدس نسبت می‌دهد.

قدرت آفرینندگی روح القدس در جهان طبیعی را می‌توان در معجزات فراوانی که او در کلام خدا قدرت انجام‌شان را بخشید، مشاهده کرد. مثلا در عهد عتیق، در خروج ۱۷: ۶، او به موسی این توانایی را داد تا از صخره، آب بیرون بیاورد. او در اول پادشاهان باب ۱۷، آرد و روغن بیوه‌زن را چندین برابر کرد.

در عهد جدید، در متی باب ۱۴، عیسی را قادر به ازدیاد غذا و خوراک دادن به پنج هزار نفر، و در متی باب ۱۵، خوراک دادن به چهار هزار نفر کرد. او عیسی را از مردگان برخیزانید، همانطور که در رومیان ۸: ۱۱ می‌خوانیم. همچنین با توجه به رومیان ۱۵: ۱۸-۱۹، به پولس قدرت انجام همه معجزات و خدماتش را بخشید.

البته، یکی از بزرگترین معجزات او، تجسم بود که باعث آستن شدن مریم باکره به عیسی بود. این معجزه خاص، که در لوقا ۱: ۳۵ به ثبت رسیده، تنها کار روح القدس است که در اعتقادنامه رسولان صریحا به آن اشاره شده است.

حتی امروز هم روح القدس قدرت چشمگیری برای آفرینش، نوسازی، و رساندن همه آفرینش به غایتی دارد که خدا برایش تعیین کرده است.

در واقع، نوسازی جهان تا پیش از زمانی که او کاملاً همه اثرات سقوط بشریت در گناه را نقض نکرده باشد، به انجام نخواهد رسید. پیدایش باب ۳ روایت می‌کند که وقتی آدم و حوا از میوه ممنوعه درخت دانش نیک و بد خوردند، خدا آنها را لعنت کرد. و چون به بشریت به عنوان ناظران یا نمایندگان خدا بر تمامی زمین، قدرت داده شده بود، لعنت خدا بر آدم و حوا تمامی آفرینش را که حتی شامل خاک زمین هم می‌شد، تحت تاثیر قرار داد.

از آن زمان تا به حال، روح القدس در جهان مشغول کار نوسازی و رساندن آن به غایت خویش است. و نتیجه، آسمان‌ها و زمین جدید است که متونی مانند اشعیا ۶۵: ۱۷ و ۶۶: ۲۲، دوم پطرس ۳: ۱۳، و مکاشفه ۲۱: ۱، به آن اشاره می‌کنند.

پس از بررسی قدرت آفرینندگی روح القدس در جهان طبیعی، آماده‌ایم تا نگاهی به طرز استفاده او از قدرت آفرینندگی‌اش برای بخشش عطایای روحانی به کلیسا پردازیم.

عطایای روحانی

وقتی درباره عطایای روحانی صحبت می‌کنیم، عبارت زیر را در ذهن داریم:

توانایی‌هایی با منشأ ماورای طبیعی که روح القدس با هدف بنای کلیسا به افراد می‌بخشد.

روح این عطایا را با بخشش توانایی‌های جدید به کسانی که قبلاً فاقد آنها بوده‌اند، یا با افزایش توانایی‌های موجود در سطحی بالاتر از استعدادهای طبیعی، و یا تجربه کسی که آن را دریافت می‌کند، به وجود می‌آورد.

عطایای روح در عهد جدید توانایی‌های خاص و منحصر به فردی هستند که به طور ماورای طبیعی بخشیده می‌شوند. به نظرم تاکید بر اینکه آنها بیشتر از استعدادهای ذاتی‌اند، اهمیت دارد. آنها به طور ماورای طبیعی به هر ایماندار داده می‌شوند. هر ایماندار یک عطای روحانی یا ممکن است عطایای روحانی داشته باشد.

– دکتر مارک استراوس

فهرستی از انواع عطایای روح القدس به کلیسای اولیه در متونی مثل رومیان باب ۱۲، اول قرنتیان باب ۱۲، و افسسیان باب ۴ آمده است. بعضی از این عطایا شبیه استعدادهای طبیعی یا توانایی‌های عمومی انسان است. این توانایی‌ها حتی در افراد خارج از کلیسا نیز تا حدودی وجود دارد، فقط به این دلیل که آنها به صورت خدا آفریده

شده‌اند - عطایایی مثل حکمت، دانش، خدمت، تعلیم، تشویق، سخاوتمندی، راهبری، و رحم و شفقت. اما سایر عطایای روحانی، مانند شفا و قدرت معجزات، به وضوح منبعی ماورای طبیعی دارند. و عطایای دیگری هم هستند، مانند نبوت، صحبت به زبان‌ها، ترجمهٔ زبان‌ها، و تشخیص روح‌ها، که در میان این گسترهٔ طبیعی و ماورای طبیعی قرار می‌گیرند.

همهٔ مسیحیان قبول دارند که روح‌القدس عطایای ماورای طبیعی به کلیسای خود می‌بخشد. اما در میان این توافق عمومی، اختلافات جزئی فراوانی وجود دارد که جایی در میان محدودهٔ این مقیاس قرار می‌گیرند. بعضی کلیساها موضع توقف عطایا را اتخاذ می‌کنند و معتقدند که در عصر حاضر روح‌القدس فقط عطایایی را می‌بخشد که شبیه استعدادهای طبیعی هستند. در نظر این کلیساها، عطایای نمایشی، پس از عصر رسولان، یا با تعیین کائن کتاب‌مقدس، از بین رفته‌اند.

سایر کلیساها معتقد به موضع تداوم عطایا هستند. به اعتقاد آنها، روح‌القدس همچنان همهٔ عطایایی که در عهدجدید به ظهور می‌آمدند را می‌بخشد. در این موضع، دیدگاه‌های زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه هر فرد مسیحی می‌تواند انتظار دریافت چه نوع عطایایی را داشته باشد.

در میان این دو طیف، دیدگاه‌های فراوان میانه‌رویی نیز وجود دارند. کلیساهای میانه‌رو معتقدند که روح‌القدس همچنان می‌تواند عطایای نمایشی را به خواست خود ببخشد. اما اصراری ندارند که روح‌القدس باید همواره هر نوع عطایی را به کلیسای خود ببخشد. این کلیساها تاکید می‌کنند که روح‌القدس آزاد است تا در هر زمان به هر روشی عمل کند.

اما نقطهٔ مشترک همهٔ این موضع‌گیری‌ها، اعتقاد به آن است که روح‌القدس دست‌کم به بخشش بعضی عطایا به قوم خود برای منفعت کلیسایش ادامه می‌دهد. عطایای روحانی قدرت خدا هستند، و باید برای قوم او به طور کل به کار بروند. آنها به منظور برآوردن خواسته‌های افراد، یا حتی تقویت زندگی روحانی افراد، بخشیده نمی‌شوند. بلکه، جهت قدرت بخشیدن به کلیسا برای خدمت، و کمک به رشد و بلوغ آن در مسیح بخشیده می‌شوند. این موضوع را در رومیان ۱۲: ۴-۵، اول قرنتیان ۱۲: ۷، و افسسیان ۴: ۷-۱۶ می‌بینیم. به طور مثال، به آنچه پولس در اول قرنتیان ۱۲: ۷ می‌نویسد، گوش بدهید:

ظهور روح، به هر کس برای منفعت همگان داده می‌شود (اول قرنتیان ۱۲: ۷).

همانطور که پولس در اینجا می‌گوید، عطایای روحانی به خاطر کلیسا بخشیده می‌شوند. عطای هر فرد می‌تواند برای خودش هم سودمند باشد. اما هدف و توجه اصلی عطایا، منفعت کلیساست. آنها اعمال پر قدرت و خلاق هستند که روح‌القدس برای بنای کلیسایش به طور کلی، مورد استفاده قرار می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که درباره عطایای روحانی می‌دانیم این است که آنها باید در کلیسا که بدن مسیح است، پرورش بیابند، شناخته بشوند و مورد استفاده قرار بگیرند. عطایای روحانی به یک فرد داده نمی‌شود تا او به تنهایی از آنها بهره‌مند بشود و نفع ببرد. آنها بخشیده می‌شوند تا گروه‌های مردم، گروه ایمانداران، یا همان کلیسای عیسی مسیح، بنا شود.

- دکتر ریاد کاسیاس

عطایای روحانی که توسط روح به ما بخشیده می‌شوند، برای تهذیب کلیسا، بنای کلیسا، انجام خدمت مسیحی، برای تشویق همدیگر و اجرای فرمان اعظم هستند. تمرکز اصلی ما در زندگی روزانه‌مان، مسائل کاریزماتیک مربوط زبان‌ها و نبوت نیست، اینها آنطور که در کلام می‌بینیم، در درجه دوم توجه هستند. اصل توجه ما به عطایای روحانی بنا به گفته عهد جدید، تسلی‌ای است که به ما می‌دهد، این هست که به ما نشان می‌دهد که عصر عهد جدید طلوع کرده، کار شخصی روح در درون ما و مشترکاً در جمع کلیسا، کار خدمت را در جهان پیش می‌برد، هم به طور فردی و هم جمعی. تاکید اصلی این هست که ما واقعا لازم داریم بر او متمرکز باشیم و ببینیم که در عمری که در این جهان داریم، در زندگی فردی خودمان و همچنین در حیات جمعی کلیسا، کار او انجام می‌شود.

- دکتر استفان ولوم

با این درک از طرز استفاده روح القدس از قدرت آفرینندگی‌اش در جهان طبیعی و بخشش عطایای روحانی به کلیسا، بیابید نگاهی هم به چگونگی آشکار شدن قدرت او در احیای روح و قلب هر شخص ایماندار بیندازیم.

احیای شخصی

بنا بر تعلیم کلام خدا، انسان‌ها در حالت مرگ روحانی متولد می‌شوند. همانطور که رومیان ۵: ۱۲-۱۹ نشان می‌دهد، ما به خاطر گناه آدم مقصریم، و در نتیجه مرگ شامل حال ما می‌شود. روح القدس، برای نجات ما از این مخمصه، با زنده کردن روح‌مان در حضور خدا، زندگی جدیدی در ما می‌آفریند. کتاب مقدس درباره این حیات جدید به عنوان از نو مولود شدن یا تولد تازه صحبت می‌کند. می‌توانیم درباره تولد تازه، یوحنا ۳: ۳-۸، تیتس ۳: ۵، اول یوحنا ۵: ۱-۱۸، و بسیاری قسمت‌های دیگر را مطالعه کنیم. فقط به عنوان یک مثال، به آنچه پولس در تیتس ۳: ۵ می‌نویسد، گوش بدهید:

ما را... نجات بخشید، به غسل تولد تازه و نوشدنی که از روح القدس است (تیطس ۳: ۵).

پس از اینکه از نو متولد می شویم، روح القدس به کار در ما ادامه می دهد تا افکار، احساسات و عملکرمان را عوض کند، تا از ما مردمانی بسازد که خداوند را محبت و اطاعت می کنند. عهد جدید درباره این موضوع در متونی مانند رومیان ۸: ۱-۱۶، اول قرنتیان ۱۲: ۳، غلاطیان ۵: ۱۶-۲۵، و فیلیپیان ۲: ۱۳ صحبت می کند. شاید آشناترین بحث درباره قدرت دگرگون کننده روح القدس، توصیف پولس از ثمره ای باشد که روح القدس در زندگی ایمانداران به وجود می آورد. به آنچه پولس در غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ می نویسد، گوش بدهید:

اما ثمره روح، محبت، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکویی، وفاداری، فروتنی و خویشتنداری است (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳).

همه این تغییرات در شخصیت ما، نتیجه قدرت فعال و خلاق روح القدس است که ما را به صورت عیسای مسیح درمی آورد.

و البته، در روز آخر، روح القدس با قدرت آفرینندگی خود، بدن همه ایمانداران مسیحی را بر می خیزاند، و به ما بدن هایی مثل بدنی که عیسی یافته، می بخشد. به آنچه پولس در رومیان ۸: ۲۳ می گوید، گوش بدهید:

خود ما نیز که از نوبر روح برخورداریم، در درون خویش ناله بر می آوریم، در همان حال که مشتاقانه در انتظار پسرخواندگی، یعنی رهایی بدن های خویش هستیم (رومیان ۸: ۲۳).

وقتی پولس بیان کرد که پیروان مسیح از نوبر روح برخوردارند، لحن خود را از عمل عهد عتیقی تقدیم هدایا از اولین برداشت وام گرفت که حاکی از تمام برداشت سال بود. تقریباً به همین صورت، کاری که روح القدس هم اکنون در ایمانداران انجام می دهد تا زمانی که ما را کاملاً از نو بسازد، لعنت و فساد را از ما بزدايد، و بار دیگر به حالت بی گناه اولیه بازگرداند، کامل نخواهد شد. تاکنون، روح القدس به روح ما حیات تازه بخشیده است. اما سرانجام بدن ما را نیز از نو خواهد ساخت.

پس از بررسی اعمال پر قدرت آفریننده روح القدس، به عمل تقدیس کننده او نظری خواهیم انداخت.

تقدیس

وقتی از کار تقدیس روح صحبت می‌کنیم، منظورمان عمل تقدیس مردم و اشیاست. روح القدس این کار را به منظور جدا کردن افراد و اشیا برای استفاده خدا، پاک‌سازی آنها، و صلاحیت بخشیدن به آنها برای قرار گرفتن در جلال آشکار الهی، انجام می‌دهد. این معنا رابطه نزدیکی با مفهوم احیا و نوسازی دارد که در قسمت قبلی این درس آن را بررسی کردیم.

اغلب اوقات، کتاب مقدس می‌گوید کلیسا به واسطه حضور و کار روح القدس مقدس، یا تقدیس شده است. این موضوع را در قسمت‌هایی مانند رومیان ۱۵: ۱۶، اول قرنتیان ۶: ۱۱، دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳ و اول پطرس ۱: ۲-۱ می‌بینیم. به طرز بیان پولس درباره روح القدس در اول قرنتیان ۳: ۱۶-۱۷ گوش بدهید:

آیا تشخیص نمی‌دهید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟... معبد خدا مقدس است و شما آن معبد هستید (اول قرنتیان ۳: ۱۶-۱۷).

معبد یهود در عهد عتیق، قصر زمینی خدا بود که حضور خاص او در آن سکونت داشت. آنجا طبق گفته سلیمان در دوم تواریخ ۶: ۱، خانه زمینی خدا بود. اما در عهد جدید، خدا دیگر در معبد سکونت نداشت. در عوض، روح القدس کلیسا را به عنوان معبد جدید تقدیس کرد. همین معنا به صراحت در افسسیان ۲: ۲۲ مورد اشاره قرار گرفته و در قسمت‌های دیگر کلام منعکس شده است.

همچنین گفته می‌شود که روح القدس با سکونت در یکایک ایمانداران، ایشان را تقدیس می‌کند. در این معنا، روح القدس واقعا در قلب ایمانداران زیست می‌کند. این سکونت در بسیاری از قسمت‌های کلام مانند رومیان ۸: ۱۶-۹، اول قرنتیان ۶: ۱۹، دوم تیموتائوس ۱: ۱۴، و یعقوب ۴: ۵ مورد اشاره قرار گرفته است.

سکونت روح القدس واقعیتی اساسی برای ایمانداران است. وقتی خدا داخل زندگی ما می‌شود و مسیحیان را در مسیح خلقت تازه‌ای می‌بخشد، روح القدس زمام زندگی آنها را به دست می‌گیرد. وابستگی ما به او، تکیه به قدرت سکونتش در ما، کاملاً ضروری است، و گرنه یک حیات جسمانی داریم. ما باید بتوانیم تفاوت بین زندگی در روح و زندگی در جسم را تشخیص بدهیم، چون زندگی در روح ما را قادر می‌کند طوری مسیح را جلال بدهیم که او می‌خواهد.

- دکتر اریک توئیس

این مسکن گزیدن، نتایج زیادی دارد. چند مورد آن عبارتند از اینکه، ما از گناه پاک می‌شویم، برای خدا جدا شده، از تاثیر که روح در قلب و فکرمان می‌گذارد لذت برده و بهره‌مند می‌شویم. به آنچه پولس دربارهٔ این موارد در اول قرن تیان ۹-۱۱ می‌گوید، گوش بدهید:

آیا نمی‌دانید که ظالمان وارث ملکوت خدا نمی‌شوند؟... بعضی از شما چنین می‌بودید لکن غسل یافته و مقدس گردیده و عادل کرده شده‌اید به نام عیسی‌ای خداوند و به روح خدای ما (اول قرن تیان ۹-۱۱).

از طریق کار تقدیس روح القدس، ایمانداران پاک و برای خدا جدا شده‌اند، تا دیگر از گناهکاران محسوب نشوند.

آیا تا به حال دربارهٔ این موضوع تامل کرده‌اید که زندگی خود خدا در درون تان چقدر خاص و شگفت‌انگیز است؟ آفرینندهٔ جهان هستی آنقدر شما را دوست دارد که به طور جاودانه شما را با خود متحد کرده است. شما در لبهٔ تایید او تلوتلو نمی‌خورید. جای شما عمیقاً درون قلب اوست. این ارتباط شما را در مقابل گناه تقویت می‌کند. به شما قدرت مقاومت در برابر وسوسه، و زندگی خداپسندانه را می‌بخشد. وقتی گناه هم می‌کنید، هر قدر هم که گناه بدی باشد، همچنان در نظر خدا مورد قبول هستید. همچنان صلاحیت ورود به حضور خدا و مشارکت با او، پرستش او، و البته درخواست و دریافت بخشش او را دارید.

تا به اینجا، قدرت آفرینندگی روح القدس و کار تقدیس وی را بررسی کرده‌ایم. اکنون آماده‌ایم تا دربارهٔ روش‌های مختلف اعمال فیض الاهی توسط او صحبت کنیم.

فیض

در مورد سه نوع فیض یعنی فیض عام، فیض عهد، و فیض نجات‌بخش که توسط روح القدس اعمال می‌شود، صحبت خواهیم کرد. بیایید با فیض عام آغاز کنیم.

فیض عام

فیض عام عبارت از شکیبایی‌ای است که خدا نشان می‌دهد و نیز مزایایی که به همهٔ بشریت، بدون در نظر گرفتن ایمان‌شان می‌بخشد. روح القدس فیض عام را به همهٔ مردم به طور مساوی نمی‌بخشد. بلکه، او مطابق نقشه‌ها و خواسته‌های خود در جاهای مختلف مشغول به کار است.

مثلاً، فیض عام در روشی دیده می‌شود که روح القدس توسط آن گناه را در جهان مهار می‌کند. طبق تعلیم پولس در رومیان ۸: ۱-۱۸، بی‌ایمانان سقوط کرده تحت کنترل گناه هستند. آنها طبیعتاً با خدا دشمنی دارند، و به

گناه کشیده می‌شوند. اما همانطور که پولس در رومیان باب‌های ۷-۸ تعلیم می‌دهد، روح القدس با گناه جهان در حال نبرد است. او درست به همین روش، پس از بخشیدن تولد تازه، در ایمانداران کار می‌کند. هرچند چنین برکت بزرگی به غیر ایمانداران نمی‌بخشد، اما به درستی اغلب جلوی آنها را می‌گیرد تا مرتکب گناهان بزرگی نشوند که قادر به انجام‌شان هستند.

جنبهٔ دیگر فیض عام که اکثر اوقات در جهان دیده می‌شود، دانشی است که غیر ایمانداران کسب می‌کنند، و اعمال نیکویی که توسط آن دانش به انجام می‌رسانند. غیر ایمانداران می‌توانند حقایق پرارزش زیادی را بیاموزند که کلیسا و ایمانداران را نیز همراه با سایر بشریت، بهره‌مند سازد. هرگاه کسی کشف سودمندی می‌کند، آن دانش هدیهٔ فیض آمیزی از جانب روح القدس است.

ژان کالون، اصلاحگر پروتستان مشهور که بین سال‌های ۱۵۰۹ تا ۱۵۶۴ میلادی می‌زیست، عطایای عمومی دانش روح القدس را در مجموعهٔ اصول و مبادی مسیحیت خود، کتاب ۲، فصل ۲، بخش‌های ۱۵ و ۱۶ شرح داده است. به این قسمت گوش بدهید:

هرگاه به این امور در نوشتهٔ نویسندگان غیردینی می‌رسیم، بگذارید نور قابل تحسین حقیقت که در آنها می‌درخشد به ما بیاموزد که فکر انسان، هرقدر هم که از کمال خود سقوط کرده و منحرف شده باشد، با عطایای عالی الاهی مزین و پوشانده شده است. اگر روح خدا را تنها سرچشمهٔ حقیقت در نظر بگیریم، نه نفس حقیقت را رد می‌کنیم، نه آن را هر جا ظاهر می‌شود، حقیر می‌شماریم؛ مگر اینکه بخواهیم به روح خدا بی‌احترامی کنیم... اما اگر خداوند خواسته باشد توسط کار و خدمت بی‌دینان به ما در فیزیک، منطق، ریاضیات، و سایر علوم کمک کند، بیاید مساعدت آنها را به کار ببریم.

- ژان کالون

فیض عهد

در بسیاری از بخش‌های کلام خدا، می‌توانیم نوع دومی از فیض را که روح القدس به کار می‌گیرد، ببینیم که گاهی فیض عهد خوانده می‌شود.

فیض عهد شامل شکیبایی خدا و مزایایی است که او به همهٔ کسانی می‌بخشد که عضوی از قوم عهد الاهی هستند، حتی اگر ایمانداران واقعی نباشند. در عهد عتیق، اسرائیل قوم عهد الاهی بود زیرا عهدهای خاصی که خدا با ابراهیم، موسی و داوود بست، شامل حال تمامی آن قوم می‌شد. در عهد جدید، قوم عهد الاهی عبارتست

از کلیسای قابل رویت که شامل کسانی است که وابسته به کلیسا هستند؛ حتی اگر ایمانداران واقعی نباشند. فیض عهد خدا حتی بیش از فیض عام او شکلیا و بردبار است.

مثلا، خدا با اسرائیل باستان بسیار صبور و رحیم بود، هرچند اسرائیل اغلب نسبت به او بی‌وفایی می‌کرد و به اندازه زیادی مرتکب گناه می‌شد. خدا به خاطر عهد خود با اسرائیل، آن قوم را از بین نبرد، و همواره بقیت یا عدۀ وفاداری از ایشان را نگه می‌داشت. پولس به صراحت در رومیان ۱۱: ۱-۵ در این مورد صحبت کرده است. از این گذشته، حتی غیر ایمانداران در اسرائیل باستان، به خاطر عهد الاهی، برکات او را دریافت می‌کردند. شاید بهترین مثال از این موضوع، خروج از مصر باشد. به آنچه موسی در خروج ۲: ۲۳-۲۵ می‌گوید گوش بدهید:

بنی اسرائیل زیر بندگی ناله سرداده، فریاد برآوردند و فریاد التماس ایشان به سبب بندگی به درگاه خدا رسید. خدا ناله ایشان را شنید و خدا عهد خود را با ابراهیم، اسحاق و یعقوب به یاد آورد. و خدا بر بنی اسرائیل نظر کرد و خدا دانست (خروج ۲: ۲۳-۲۵).

به دلیل نظر کردن خدا به اسرائیل و رهایی دادن آنها، توجه کنید. این به خاطر وفاداری ایشان به او نبود، بلکه اینکه عهد او با اجداد آنها، ابراهیم، اسحاق و یعقوب، شامل حال ایشان می‌شد.

همین موضوع در مورد کلیسای امروز نیز صادق است. مثلا، به هر کسی که در کلیساست، انجیل مرتبا ارائه می‌شود و فرصت توبه و نجات می‌یابد. اینگونه افراد در برکاتی که خدا به کل کلیسا می‌بخشد، شریک هستند. در واقع، آنطور که در عبرانیان ۶: ۴-۶ می‌آموزیم، غیر ایمانداران در کلیسا حتی از عطایای روحانی کلیسا نیز بهره‌مند می‌شوند. به همین دلیل عبرانیان ۱۰: ۲۹ می‌گوید که غیر ایمانداران در کلیسا فیض روح را به واسطۀ بی‌ایمانی‌شان خوار می‌شمارند.

وقتی ما به جلسات کلیسا می‌رویم، افرادی آنجا هستند که نجات دارند یا نجات ندارند. افرادی که نجات نیافتند از مزایایی که ساده بگویم، فقط حضور در جمع مسیحیان است، برخوردارند. این نکته خوبی‌ست. ما چیزی که خدا از آن بیرون خواهد آورد را نمی‌دانیم. اما صرف حضور در آنجا خوب است. ژان کالون، درباره فیض عام صحبت کرده؛ جان ولسلی، درباره فیض میسر خدا صحبت کرده - فیض خدا به این روش در زندگی یک شخص پیش از اینکه با هوشیاری به ایمانش در عیسای مسیح اعتراف کند، مشغول کار است. پس، این فیض به نظرم احتمالا به دو روش اصلی، فعال است. اول، ما نسبت به گناهان مان ملزم می‌شویم. کم‌کم می‌بینیم که گناه واقعی‌ست و ما را نابود می‌کند، در عین حال قلب خدا رو هم می‌شکند. باید در جایگاهی از فیض باشید که این را ببینید. و بعد از اینکه کار الزام به گناه در ما شروع می‌شود، همانطور که بعضی الاهدانان می‌گویند، کم‌کم متقاعد می‌شویم که راه دیگری

برای زندگی وجود دارد که بهتر است. پس به نظرم، مخصوصاً برای شخص نجات نیافته، این فقط فرصتی است برای نگاه به زندگی از این جنبه‌های بهتر، با این اطمینان که اگر آنها به اینجا برسند، خدا در زندگی‌شان کار خواهد کرد.
- دکتر استیو هارپر

این کاملاً آنها در موقعیتی قرار می‌دهد که در مشیت خدا، انجیل رو بشنوند، که زندگی مطابق انجیل را ببینند، که بتوانند با عیسی مسیح مواجه بشوند، که در مشارکت گروهی از مردم، زنده و فعال است. بنابراین، بنا بر قدرت متعال خدا، شاید این سازوکاری باشد که قبل از اینکه افراد نجات بیابند، آنها را وارد حیات کلیسا کند، تا به انجیل واکنش نشان بدهند.

- دکتر استیو بلیک‌مور

فیض نجات‌بخش

نهایتاً، سومین نوع فیض که روح القدس عامل انجام آن است، به گفته بسیاری از الاهی‌دانان، فیض نجات‌بخش خوانده می‌شود.

فیض نجات‌بخش عبارت است از کاربرد مزایای جاودانی زندگی بی نقص، مرگ، رستاخیز، صعود و بازگشت پر جلال مسیح برای کسانی که او را به عنوان خداوند و منجی‌شان می‌پذیرند. هر ایمان‌داری، فیض نجات‌بخش را از روح القدس دریافت می‌کند.

برکاتی که ما در نتیجهٔ عاملیت روح القدس در فیض نجات‌بخش دریافت می‌کنیم، بر اساس کار عیسی برای ما ذخیره شده است. بدیهی‌ترین آنها برکاتی مانند احیا شدن است که روح القدس توسط آنها به روح ما حیاتی جدید می‌دهد تا تولد دوباره بیابیم. دربارهٔ این موضوع در قسمت‌هایی مانند یوحنا ۳: ۵-۸، رومیان ۸: ۲-۱۱، و تیطس ۳: ۵ می‌خوانیم. همانطور که در زکریا ۲: ۱۰، اول قرنتیان ۶: ۱۱، و تیطس ۳: ۵-۸ می‌بینیم، توبه، آمرزش از گناهان و عادل‌شمردگی یا مبراشمردگی نیز در فهرست فیض نجات‌بخش قرار دارند که روح القدس برای ما به کار می‌گیرد. عهد جدید در قسمت‌هایی مانند دوم تسالونیکیان ۲: ۱۳، و تیطس ۳: ۵، از نجات به طور کلی، به عنوان برکتی نام می‌برد که روح القدس برای ما به کار می‌گیرد.

وقتی مسیحیان دربارهٔ نجات فردی صحبت می‌کنند، تمرکزشان بر عیسی مسیح و کار اوست. البته این کار درست و خوبی است ولی تشخیص نقشی که روح القدس ایفا می‌کند نیز اهمیت دارد.

درک کاری که روح القدس در زندگی ایماندار انجام می‌دهد، باعث می‌شود کامل‌ترین شکل ممکن زندگی مسیحی را تجربه کنیم. روح القدس به ما انگیزه می‌دهد، و این درکی کلیدی برای تشخیص این موضوع است که هم خواست

و هم قدرت زندگی برای مسیح از روح القدس می‌آید. این قسمتی از درک غنی کاری‌ست که روح القدس برای ما می‌کند؛ اوست که وجود ما را برای درک کلام خدا روشن می‌کند. روح القدس است که به ما اشتباهی روحانی برای امور الهی می‌دهد، تا تشنهٔ خدا باشیم، قوم خدا را محبت کنیم، که بخواهیم خدا را خدمت کنیم. این موضوع بار زیادی را از دوش آدم بر می‌دارد. فشار زیادی را از فکر آدم بر می‌دارد تا فکر نکند اینها روی شانه‌هایم سنگینی می‌کند؛ خدا گفته باید چه کنم، و حالا این من هستم که باید آنها را انجام بدهم، این من هستم که باید اطاعت کنم. خُب، ما مسئولیت هم داریم. خدا به جای ما اطاعت نمی‌کند، ولی تشخیص می‌دهیم که او به ما اراده و قدرت، و بینش لازم را می‌دهد. همهٔ اینها برای جلال خداست.

- دکتر دونالد ویتنی

روح القدس بیش از دو شخص دیگر تثلیث، در زندگی ما فعال است تا آموزش، شادی و نیکویی، قوت، و آرامش و همهٔ برکات دیگر نجات را دریافت کنیم. پس اگر بخواهیم اینها را به فراوانی دریافت کنیم، باید به فیض نجات‌بخش او تکیه کنیم. فراتر از این، باید به خاطر وفاداری و رحمت روح القدس، او را تکریم کنیم. فیض نجات‌بخشی که او به ما عطا می‌کند، بسیار فراتر از شکرگزاری ما، ستایش ما، پرستش، و محبت ماست. پس از بررسی قدرت آفرینندگی روح القدس، تقدیس و فیض او، آماده‌ایم تا به مکاشفات او بپردازیم.

مکاشفه

روح القدس عموماً به عنوان شخصی از تثلیث شناخته می‌شود که عامل مکاشفه، شهادت و شناخت است. ما این موضوع را در یوحنا ۱۴: ۲۶؛ اول قرنتیان ۲: ۴، ۱۰؛ افسسیان ۳: ۵، و بسیاری از بخش‌های دیگر کلام می‌بینیم. در واقع، ارتباط میان روح و مکاشفه آنقدر نزدیک است که روح القدس، در متونی مانند یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۵: ۲۶، و ۱۶: ۱۳، به عنوان روح راستی معرفی می‌شود. در اول یوحنا ۵: ۶، یوحنا از این هم پیش‌تر می‌رود و می‌گوید:

روح، حق است (اول یوحنا ۵: ۶).

پولس نیز به همین شکل، نقش روح القدس را در افسسیان ۱: ۱۷ اینطور خلاصه می‌کند:

روح حکمت و مکاشفه (افسسیان ۱: ۱۷).

ما سه جنبه از کار مکاشفه روح را مورد بحث قرار خواهیم داد. اول، درباره مکاشفه عام صحبت می‌کنیم. دوم، به مکاشفه خاص می‌پردازیم. و سوم، بر تنویر و هدایت درونی متمرکز خواهیم شد. بیایید ابتدا به مکاشفه عام نگاهی بیندازیم.

مکاشفه عام

مکاشفه عام یعنی به کارگیری جهان طبیعی و طرز کار آن توسط خدا، به منظور شناساندن وجود، ذات، حضور، اعمال و اراده او به تمامی بشریت.

کلام خدا در بخش‌های زیادی در مورد مکاشفه عمومی صحبت می‌کند، مثلاً در مزامیر ۸، ۱۹، و رومیان باب‌های ۱-۲. به طور نمونه، رومیان ۱: ۲۰ درباره مکاشفه عام چنین می‌گوید:

از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرت سرمدی و الوهیت او را می‌توان با ادراک از امور جهان مخلوق، به روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست (رومیان ۱: ۲۰).

کلام خدا اغلب بیان می‌کند که مکاشفه عام به واسطه قدرت آفرینندگی روح القدس در طبیعت آشکار می‌شود، چه در نفس عمل آفرینش، و چه در نگهداری از آنچه آفریده شده است. همه این کارها از اراده و شخصیت روح سرچشمه می‌گیرد. پس با تشخیص دست داشتن او در آنها، ذات او و مقاصدش را بهتر می‌شناسیم.

نقش روح القدس در مکاشفه عمومی خیلی مهم و قابل توجه است، چون واضح هست که او عامل آفرینش است. او کسی است که همچنان درگیر تقویت قوانین الاهی، یعنی چیزی که گاهی «قوانین طبیعی» می‌خوانیم هست. و این مکاشفه‌ای است که روح القدس بدون فرق گذاشتن، به همه مردم می‌دهد، و البته این متفاوت با آن چیزی هست که اغلب آن را «مکاشفه خاص» می‌خوانیم، که به خاطر کار درونی او در قلب ما، ما عیسی را به عنوان خداوند و منجی می‌شناسیم. اما مکاشفه عمومی چیزی است که برای همه مخلوقات خدا قابل دسترس است.

- دکتر سایمون ویبرت

خدا به ما می‌گوید که آسمان‌ها جلال او را بیان می‌کنند. پس هر جا چشم می‌چرخانیم، می‌توانیم ظهور قدرت خدا، حکمت او، و نیکویی او را در اطرافمان در خلقت ببینیم. روح القدس این مکاشفات خدا رو می‌گیرد و به روش‌های مقتدرانه‌ای به ما نشان می‌دهد تا با آفریننده‌مان آشنا بشویم.

- دکتر اریک توئیس

مکاشفه خاص

علاوه بر ارائه مکاشفه عمومی به جهانیان، روح القدس عمدتاً برای کلیسا، مکاشفه خاصی را آشکار می‌کند. مکاشفه خاص یعنی درگیر شدن مستقیم خدا، یا استفاده از پیام‌آوران، به منظور شناساندن وجود، ذات، حضور، اعمال و اراده خود به بخش محدودی از انسان‌ها.

روح القدس، مکاشفه خاص را با استفاده از کلام خدا، نبوت‌ها، رویاها، الهامات، ملاقات با فرشتگان و سایر واسطه‌های غیر معمول فراهم آورده است. مکاشفه خاص به طور عمده به افراد یا گروه‌های خاص، و مخصوصاً کسانی بخشیده می‌شود که نجات خدا را می‌پذیرند. در عهد عتیق، مکاشفه خاص بیش از همه به ابراهیم و نسل او داده می‌شد. و در عهد جدید، به کلیسا ارائه شد. مکاشفه خاص نیز مانند عطایای روحانی برای بهره‌مندی تمامی قوم خدا، به منظور تبدیل و بنای همه در ایمان است.

بزرگترین مکاشفه خاص روح القدس به ما، جسم پوشیدن خود عیسی مسیح بود. عبرانیان باب اول از خداوندمان به عنوان اوج مکاشفه الهی شکرگزاری می‌کند. حتی در حال حاضر نیز، روح القدس به واسطه کلام الهامی خدا، که حاوی سخنان مسیح از همه اعصار است که به واسطه پیامبران و رسولان معتبر او به ما رسیده است، ما را متوجه مسیح می‌کند.

به نگارش کلام خدا توسط روح القدس در قسمت‌هایی مانند متی ۲۲: ۴۳، مرقس ۱۲: ۳۶، اعمال ۱: ۱۶ و ۴: ۲۵؛ و دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ اشاره شده است. به عنوان نمونه به آنچه در دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱ توسط پطرس نوشته شده، گوش بدهید:

هیچ نبوت کتاب از تفسیر خود نبی نیست. زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند (دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱).

از عصر رسولانی تا به حال، روح القدس دیگر کلام مقدس جدیدی را الهام نکرده است. اما مکاشفه خاص او در عهد عتیق و عهد جدید همچنان در همه اعصار، اراده او را به مسیحیان آشکار می‌کند. روح القدس علاوه بر مکاشفه عام و مکاشفه خاص، در مرحله سوم، به واسطه روشنگری و هدایت درونی افراد نیز مشغول کار است.

روشنگری و هدایت درونی

در دوم پطرس ۱: ۲۱ می‌خوانیم که انبیای عهد عتیق از طرف خدا و تحت نفوذ روح القدس صحبت کرده‌اند، که تلویحا نشون می‌دهد، روح القدس که به کلیسا بخشیده شده، فکر ما را برای درک آنچه او به انبیا الهام کرده، روشن می‌کند. مکاشفه تازه‌ای وجود ندارد، اما اگر بخواهیم مکاشفه موجود را بفهمیم، باید به وسیله روح خدا قدرت بیابیم و فکرمان روشن بشود.

- دکتر ناکس چمبلین

روشنگری، هدیه‌ی الهی شناخت و درک است که در درجه اول ادراک می‌بخشد؛ مثلا ادراک و شناخت عیسی به عنوان مسیح موعود، که پطرس در متی ۱۶: ۱۷ دریافت کرد. هدایت درونی، عطای الهی شناخت و درکی است که در درجه اول حسی و شهودی است. این هدایت، شامل عواملی مانند وجدان ما، و حسی است که خدا می‌خواهد کار خاصی را انجام دهیم. روشنگری و هدایت درونی در کتاب مقدس، همیشه به روشنی از همدیگر قابل تشخیص نیستند. اغلب، کلام خدا به نوعی صحبت می‌کند که برای هر دوی اینها به طور یکسان کاربرد دارد. قسمت‌هایی مانند این را در اول قرتیان ۲: ۹-۱۶، افسسیان ۱: ۱۷، کولسیان ۱: ۹، و اول یوحنا ۲: ۲۷ می‌یابیم. مثلا در افسسیان ۱: ۱۷، پولس چنین می‌گوید:

از خدای خداوند ما عیسی مسیح، آن پدر پر جلال، می‌خواهم که روح حکمت و مکاشفه را در شناخت خود به شما عطا فرماید (افسسیان ۱: ۱۷).

در اینجا پولس روح القدس را «روح حکمت و مکاشفه» می‌خواند. در دسته‌بندی روشنگری و هدایت درونی، شاید وسوسه شویم تا حکمت را هدایت درونی و مکاشفه را روشنگری تفسیر کنیم. و شاید هم پولس همین منظور را داشته است. از سوی دیگر، شاید هم او جمعاً به این دو عملکرد روح القدس اشاره کرده، بدون اینکه تمایز روشنی میان آنها قایل شود.

ما همگی محتاج روشنگری روح هستیم چون همه ما بدون آن، به لحاظ روحانی کوریم. درست همانطور که خفاش‌ها از لحاظ جسمی کور هستند، منظورم این است که آنها نمی‌توانند به خورشید نگاه کنند. پس وقتی خورشید می‌تابد، در سقف غاری که در طول روز خودشان را پنهان می‌کنند، از پاهای شان آویزان می‌شوند. آنها فقط هنگام شب که

بیرون می‌آیند قادر به دیدن هستند. خُب، موقعیت ما هم مثل خفاش‌ها در طول روز است. نور خدا می‌تابد، ولی چون گناه، قوای روحانی ما را به هم ریخته، توانایی تشخیص حقیقت خدا و کلام او را از دست دادیم. شاید آگاهی تیره و تاری از اینکه خدا به نوعی وجود دارد، داشته باشیم، ولی درک اینکه دستورات کلام برای ما هستند؛ وعده‌های کلام برای هستند، را نداریم. معرفی کلام خدا از خداوند عیسی پیش روی ماست تا به او اعتماد کنیم و وارد حیات جدید بشویم. عهد جدید به طور استعاری به ما می‌گوید، در آن مقطع کور هستیم، در آن مقطع کَر هستیم، در آن مقطع قلب‌مان سخت است، و کلام خدا هیچ تاثیری روی ما نمی‌گذارد. و بعد عهد جدید می‌گوید خدا، از دوم قرن‌تبان ۴ نقل قول می‌کند: «خدایی که گفت نور از میان تاریکی بتابد» البته این مربوط به آفرینش جهان هست، «نور خود را در دل‌های ما تابانید تا شناخت جلال خدا در چهرهٔ مسیح، ما را منور سازد.» این همان روشنگری روح است، و وقتی این روشنگری به ما داده می‌شود، روحاً مسیح را می‌بینیم، حقیقت او را تشخیص می‌دهیم، می‌شنویم و می‌فهمیم که ما را به سوی خودش می‌خواند.

- دکتر جی. آی. پَکِر

روشنگری و هدایت درونی روش‌های معمولی هستند که روح‌القدس به کار می‌برد تا حقایقی را که کشف کرده است، به قوم خود تعلیم دهد. بنابراین، دست‌کم می‌توانیم به سه طریق از این خدمات در زندگی‌مان بهره ببریم. اول، خودمان را به مطالعهٔ کتاب‌مقدس بسپاریم، و بدانیم که با این کار، روح‌القدس بیشتر اوقات ما را در درک آن هدایت می‌کند. دوم، خودمان را وقف دعا کنیم، و پیوسته خواستار هدایت، حکمت، فهم، و اراده برای اطاعت از روح‌القدس باشیم. و سوم، خودمان را تسلیم درست‌کاری و زندگی مقدس کنیم، و مصمم باشیم تا طبق حقایقی که روح به ما می‌آموزد زندگی کنیم.

نتیجه‌گیری

در این درس از اعتقادنامهٔ رسولان، به آموزهٔ روح‌القدس پرداختیم. الوهیت روح را بر مبنای این اعتقادنامه و اساس کتاب‌مقدسی آن بررسی کردیم. شخصیت او را بر طبق صفاتش و در پرتو ارتباط او با پدر و پسر سنجیدیم. و دربارهٔ قدرت آفرینندگی، تقدیس، فیض و مکاشفهٔ او صحبت کردیم.

آموزهٔ روح‌القدس یکی از منابع غنی مسیحیت است. به ما در مورد شخص سوم تثلیث می‌آموزد، که در هر زمان نزدیکترین منبع کمک به ماست. این آموزه ما را متوجه شخصی می‌کند که بیش از همه مسئول انگیزه بخشیدن و قدرت دادن به ما برای خشنودسازی خدا در زندگی‌مان است. و به ما اطمینان زیادی می‌دهد که خدا

عمیقا و شخصا در همهٔ اعصار در جهان در کار است، و همواره برای بهره‌مند ساختن همهٔ کسانی که به او ایمان دارند، عمل می‌کند.